

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۵

عنوان: تعامل و تقابل فن و هنر در معماری

سخنرانان و اعضای پنل: دکتر غزال کرامتی و مهندس محمدرضا سلطان دوست

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: دکتر غزال کرامتی

در ابتدای سخن در رابطه با موضوع تعامل و تقابل فن و هنر در معماری ایشان به اهمیت باز تعریف معماری (درمیان رشته‌های مهندسی و رشته‌ها هنری)، عمل معمارانه، تعریف معماری در سه‌گانه انسان، طبیعت، معماری و چگونگی ادراک محیط و نسبت انسان با فرم جوهری فضا می‌پردازند.

(۱) حوزه بحث

- _ اهمیت باز تعریف حرفه معماری، (درمیان رشته‌های مهندسی و رشته‌های هنری)
- _ چيستی عمل معمارانه،
- _ اقلیم و رابطه "انسان و طبیعت و معماری"
- _ چگونگی ادراک محیط و نسبت انسان با فرم جوهری فضا (ی ساخته شده)

□ واژگان اصلی

Space	_ فضا
Time	_ زمان
Place	_ مکان

□ مفاهیم بنیادین

Form	_ فرم
Built Space	_ فضای ساخته شده
Abstracted Nature	_ طبیعت منتزع
Environment	_ محیط

Shape	_ شکل
Figure	_ فیگور
Volume	_ حجم
Surface	_ سطح

□ معیارهای مهم

Ecosystem	_ بوم
Culture	_ فرهنگ
Technology	_ فناوری

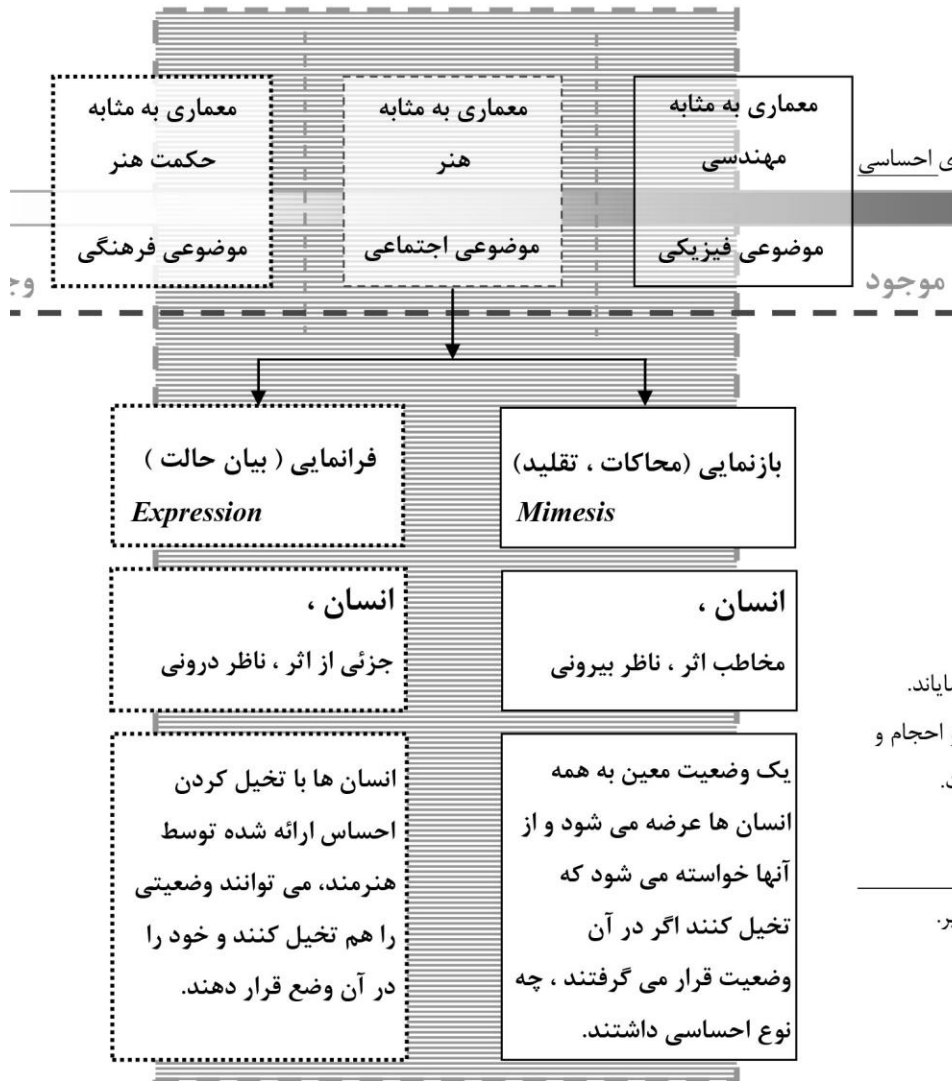
(۲) پیدایش معماری

- گام یکم _ نیاز انسان به سرپناه
- گام دوم _ نیاز انسان به ایجاد حس تعلق به مکان
- گام سوم _ نیاز انسان به زیبایی

۳) چيستی معماری

پاسخگویی به نیازهای انسان (کدام نیازها : سرپناه ، خانه ، احساس تعلق مکانی ، ... ۴۴۴)
 تعریف معماری / تعریف مهندسی عمران ... ۴۴۴
 تعریف معماری : c. e. / تعریف هنر ... !

۵) چيستی هنر (در نگاه مدرن)



وسيله ارتباط انسان ها
 فعالیتی انسانی
 پیوند دهنده افراد بشر، به وسيله رابطه ای احساسی
 یک نیاز انسانی
 هنر : فرانمودی (بیانگر)

۶) چيستی هنر (در نگاه کلاسیک)

افلاطون و ارسطو
 انسان مقلدترین موجود جهان
 تقلید ، حتی زشت ترین ها را زیبا می نمایاند.
 به جهت کمال صنعت و رنگها و اشکال و احجام و
 اصوات و کلمات و الحان، هنر راستگو نیست.
 هنر : التذاذ و تفریح و تفنن
 محاکات : حکایت و بیان و نمایش و تعبیر.
 هنر : بازنمودی (تقلیدگر)

تصویر ۳) هنر معماری : فرانمایی یا بازنمایی؟ (مأخذ : کرامتی، ۱۳۸۶)

Teorike : ساخت یکم	مقصد : دانش برهان نظری	ساخت ابداع : Techné (یونانی) : Technique (انگلیسی و فرانسه) فن (عربی) : هنر (فارسی) عبارت است از : ساختن و تکمیل کردن و محاکات طبیعت با قوه خیال. هنرهای (صنایع) دستی : که مقصد آن تکمیل طبیعت است؛ و برای تأمین معاش ... مانند تولید ابزار. هنرهای زیبا : که مقصد آن محاکات طبیعت است؛ و هنرمند با خیالاتی سر و کار دارد.
Pratike : ساخت دوم	مقصد : تدبیر سیاسی	
Poetike : ساخت سوم	مقصد : فن و ساختن	

۷) ارتباط (Communication)

□ تعریف ارتباط : فرآیند انتقال پیام ، از فرستنده به گیرنده (فرآیند ایجاد معنی)

فرآیند : _ رویدادها و روابط بین عناصر آن ، پویا و مداوم است و مدام در حال تغییر است.
_ آغاز و پایان خطی ندارد.
_ اجزای داخل آن دارای کنش های متقابل هستند.
ارتباط انسان و محیط از نوع فرآیندی است.

□ عناصر فرآیند ارتباط : _ فرستنده _ پیام _ گیرنده

_ بازخورد _ کانال انتقال پیام

_ تأثیر

_ رمزها یا گدهای پیام (هر گروه از نمادها ، که به گونه ای ساخته شوند که حداقل برای برخی انسان ها معنی دار باشند.)
_ محتوای پیام (مطالب درون پیام که به وسیله فرستنده برای بیان منظوری به کار می رود.)
_ نحوه ارائه پیام (چگونگی عرضه پیام توسط فرستنده آن.)

□ اجزاء پیام :
□ معنی پیام :

_ معنی دار بودن چیزی برای انسان ، یعنی اینکه امکان بازشناسی آن در ذهن وجود داشته باشد و فرد بتواند دریافت خود را از فرستنده (محرک) ، به چیزی در ذهن خود (به مثابه اندوخته تجربیات و ...) ارجاع دهد.
_ در فرآیند ارتباط ، گیرنده بر اساس تجارب و دانسته های قبلی خود پیام را تفسیر می کند.
_ اگر معنای مشترک بین فرستنده و گیرنده وجود نداشته باشد ، ارتباطی صورت نمی گیرد.

۸) فرآیند شناخت و موضوع ادراک محیط

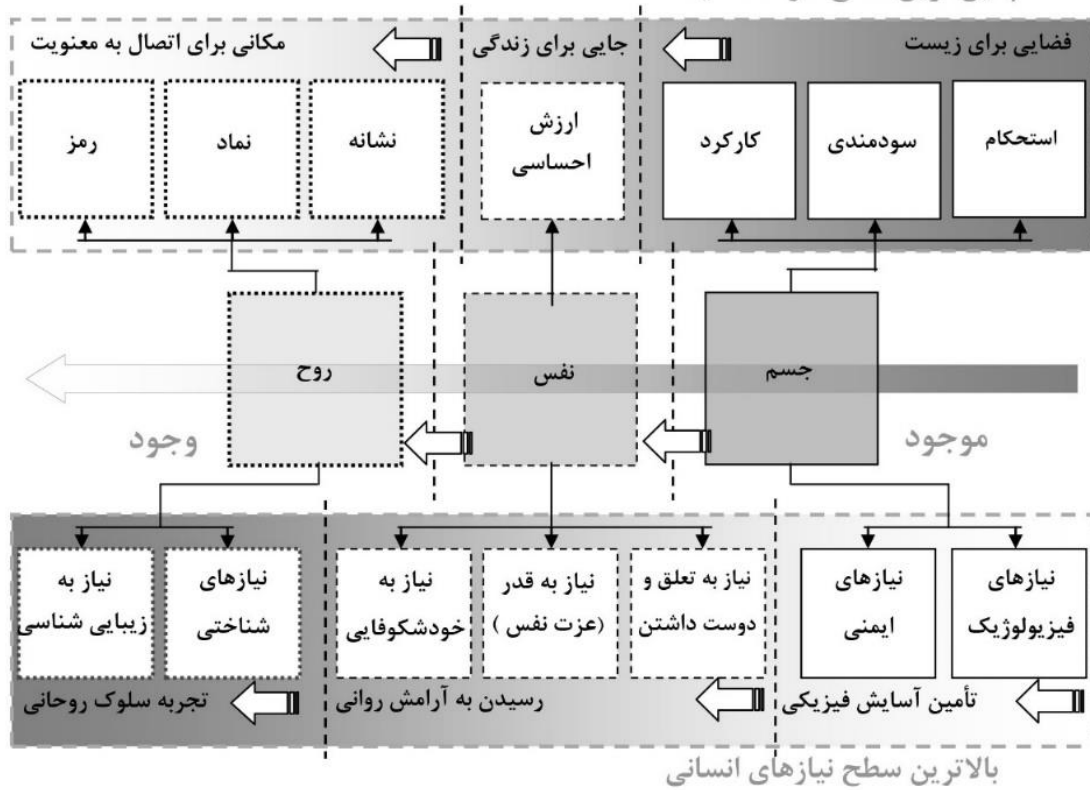
فرآیند شناخت : احساس ← ادراک ← ارزیابی

□ تعریف ادراک : گزینش و سازماندهی اطلاعات حسی و نهایتاً معنا بخشیدن به آنها به صورت فعال.
بعد از این که اطلاعات حسی از طریق اندام های مربوط به آن جمع آوری شد ، باید برای انسان معنادار شود ، این کار به عهده سیستم ادراک است.
□ سازمان ادراکی : اطلاعات جمع آوری شده به وسیله حواس مختلف، انعکاس مبهمی از جهان است و قبل از این که اطلاعات گردآوری شده به وسیله حواس به ادراک خاصی منجر شود باید به شیوه خاصی «سازمان» یابد.
□ سازگار شدن با محیط : انسان برای ادراک اشیاء جدید و یا تصحیح ادراکات نادرست گذشته از دو فرآیند جذب و انطباق کمک می گیرد.

- جذب : زمانی که با شیء جدیدی روبرو می شویم، به گونه ای که هیچگونه سابقه ای از آن در ذهن نداریم، یک ادراک ابتدایی از شیء در ذهن ما ایجاد می شود. این ادراک ابتدایی را جذب می نامند.
- انطباق : وقتی جذب صورت گرفت انسان در پی تطابق ادراک اولیه خود با واقعیت بر می آید. یعنی سعی می کند خصوصیات شیء جدید را با محصول ادراک اولیه خود مقایسه کند، یعنی دست به تطبیق تصویر ذهنی خود با شیء موجود زده و از این راه تصور ابتدایی خود را از این شیء تصحیح می کند. این حدس و تصحیح را در مجموع انطباق می گویند.

۹) ساحت های وجود و جایگاه نمادها در محیط ساخته شده

□ جیمز گیبسون (روانشناسی محیطی): دسته بندی نحوه تعامل انسان و محیط
پائین ترین سطح ادراک محیط

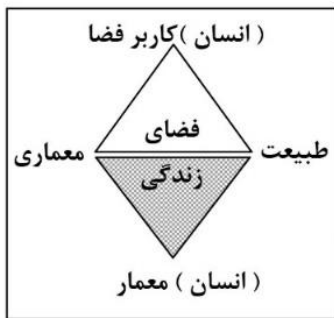


تصویر ۴) بر هم نهادن سطوح ادراک محیط گیبسون با مدل نیازهای سلسله مراتبی مازلو و ساحت های وجودی انسان (مأخذ: کرامتی، ۱۳۸۶)

□ آبراهام مازلو (روانشناس انسان گرا): مدل نیازهای سلسله مراتبی انسان

۱۰) انسان معمار در مواجهه با انسان کاربر فضا

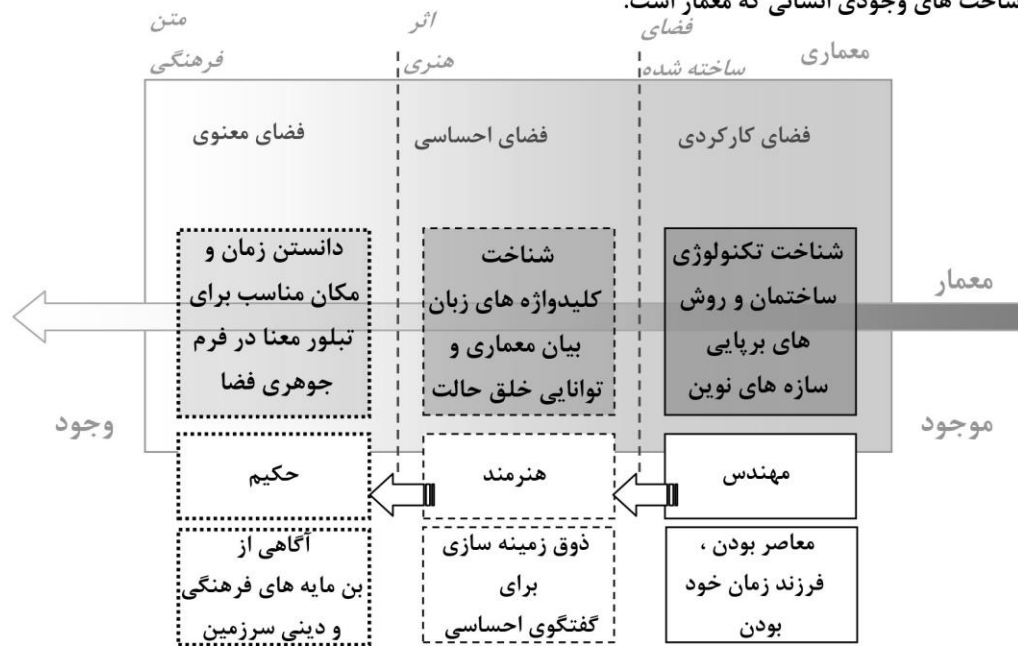
در طول تاریخ، حاصل کنش و واکنش انسان با محیط، تبدیل به مجموعه ای از دانایی شده است؛ معمار موفق بایستی به اندازه طول تاریخ، به این خردمندی اشراف داشته باشد؛ تا بتواند پیامی نو را در فضا متبلور کند و یا سازماندهی مناسبی از جزء فضاها ارائه دهد.



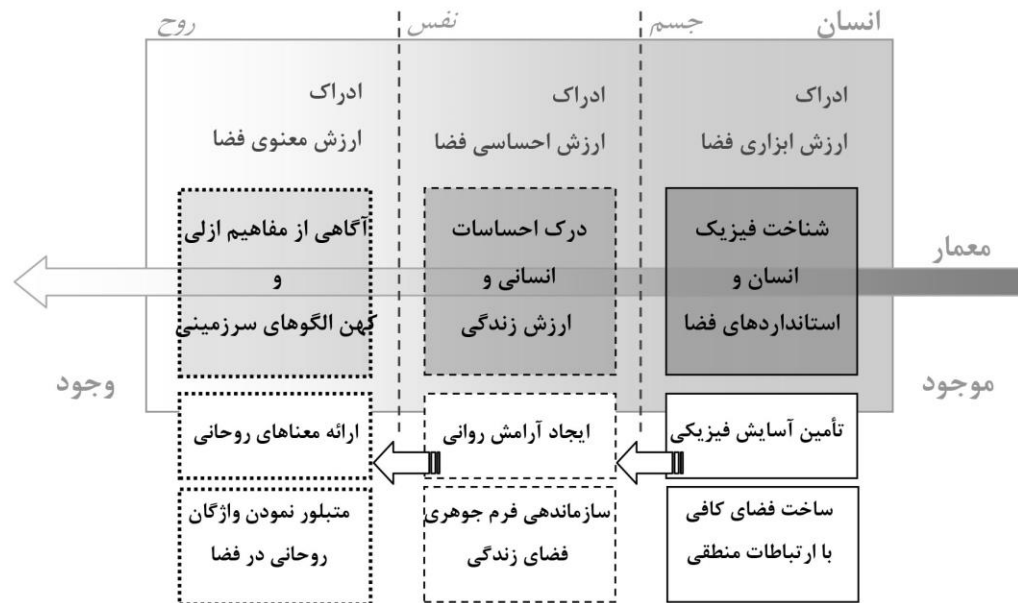
تصویر ۵)

معمار و سه گانه "انسان، طبیعت، معماری" (مأخذ: کرامتی، ۱۳۸۶)

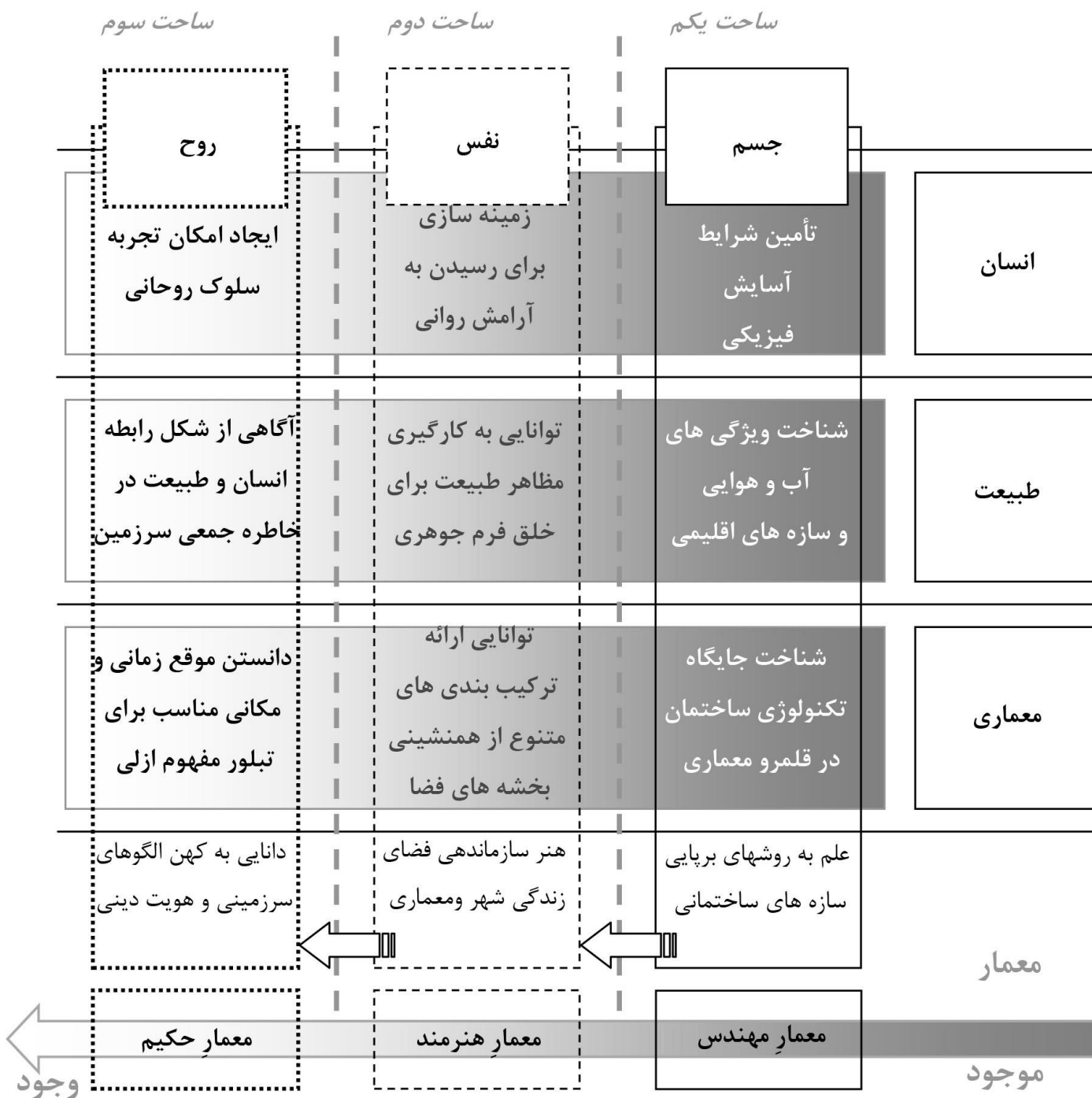
۱۱) ساحت های وجودی انسانی که معمار است.



تصویر ۶) نقش معمار در قلمرو معماری، در سه گانه "انسان"، "طبیعت"، "معماری" (مأخذ: کرامتی ۱۳۸۶)



تصویر ۷) وظیفه معمار نسبت به انسان و ارزش های فرهنگی او، (مأخذ: کرامتی، ۱۳۸۶)



تصویر ۸) سلسله مراتب حضور و نقش آفرینی معمار در شکل دادن به فضای زندگی شهر و معماری

سخنران دوم: مهندس محمدرضا سلطاندوست

ایشان در ابتدای سخنشان در رابطه با انسان، فن و معماری و تعریف این سه واژه بحث را آغاز می‌کنند و معماری را به فرض هنر در نظر می‌گیرند و یا آن را موضوعی می‌داند که جنبه‌هایی از هنر را در خود جای داده است از جمله زیبایی ولی به گفته‌ی ایشان هر چیز زیبایی لزوماً هنر نیست، فرض بر این است که معمار به عنوان یک هنرمند برای عملی کردن ایده و تصورات خود نیازمند فن، مهارت، تکنولوژی و ابزار است. در اصل هنر و فن هیچگونه تقابلی با هم ندارند و در ادبیات بارها هنر و فن به یک معنا به کار رفته‌اند و از نظر ایشان اساساً جوهره‌ی هنر فن است و این دو در تعامل کامل با هم هستند. ولی آیا می‌توان در هنر زیست؟! آیا مجسمه‌ی حضرت داوود به عنوان یک اثر هنری می‌تواند زیستگاه نیز باشد؟! و یا آیا می‌توان در بازی بازیگران تاثیر زندگی کرد؟! اینها را تنها می‌توان دید و شنید، آنها می‌توانند برانگیزاننده‌ی شور باشند، چیزی یادمان دهند، چیزی را به یادمان آورند و تمام اینها در طول زمان مشخصی اتفاق می‌افتد و تمام آن حالات گذراست ولی ما در معماری زندگی می‌کنیم و همین دلیلی بر تفاوت هنر و معماریست. در اصل سوالی که موجب به وجود آمدن معماری می‌شود چگونه زیستن است نه چگونه برانگیختن!

در واقع تنها المانی که معمار با تکیه به آن می‌تواند اعلام کند که خالق زیبایی است فرم می‌باشد و تنها به واسطه همین موضوع معماری به وادی هنر راه پیدا می‌کند. فرم و تعریف آن و تفاوت آن با شکل خود بحث برانگیز است چرا که با قرار دادن یک شکل در محیطی و یا موقعیتی به آن شکل معنی و هویت می‌دهیم که همان فرم است و باعث ایجاد خاطره و ارزش می‌شود و به تعبیری شکلی که معنا و محتوا دارد فرم است و معماری از همین طریق در حوزه‌ی زیبایی وارد می‌شود و معمار با تکیه بر مهارت و ابزار و تخصص و شناخت که همه تعریفی از فن است می‌تواند فرمی خلق کند پس شاید نتوان معماری را نوعی فن خواند ولی لزوماً نمی‌توان آنرا نوعی هنر دانست.

و در ادامه این بحث مطرح شد که بعضی از مباحث مطرح شده درست و بعضی قابل تأمل هستند ولی موضوع مهمی جا افتاده که آن موضوع ریاضیات و حلقه‌ی اعداد است. این بحث به قدری با اهمیت می‌باشد که در زمان فیثاغورث دنیا را ریاضیات محض می‌دانستند.

در تمامی موضوعات از جمله هنر و معماری اعمال ریاضی دخیل است، این اعمال از ابتدایی‌ترین مراحل درک در ذهن انسان شروع شده و تا آخرین مراحل ساخت و بیان یک اثر همواره نقش بسیار اساسی دارد. حتی شعر و ادبیات را می‌توان در غالب ریاضیات بیان کرد، این موضوع حتی در علوم که به نام علوم غریبه و علم جفر قابل مشاهده است.

اعداد روحانی و معنوی نیستند، ولی دارای میدان مغناطیسی هستند که این میدان مغناطیسی اثر گذار است و این اعداد در غالب وزن شعر و در تناسبات طلایی بر افراد تأثیر می‌گذارد. همچنین این ریاضی و نظم و تناسب را در موسیقی می‌توان دید و تأثیر آن را به خوبی درک کرد. اعداد و ریاضی در نظم کیهان و جهان مشاهده می‌شود. اعداد به قدری با اهمیت بودند که به آنها نقش و شخصیت دادند و اعداد منفی را با اهمیت روشن و مثبت و مذكر می‌دانستند و اعداد زوج را تاریک، شوم و مونث می‌دانستند و بسیاری از بناها و آثار را با همین تفکر خلق و بنا می‌کردند.

پس اگر قبول داشته باشیم که این نظم و ریاضی در تمامی جهان وجود دارد می‌توان گفت که در معماری هم موجود است که اگر غیر از این بود زیبا نمی‌نمود و از نظم طبیعی خارج بود و موجب آزار و ناخوشایندی در ذهن انسان شد.

در ادامه‌ی بحث گفته شد که فرم رابطه‌ی بین اجزای هنری است و طبعاً یکی از ویژگی‌های هنر ایجاد وحدت است و اگر شما می‌خواهید کثرتی را به هم پیوند دهید عامل وحت آنها بسیار مهم می‌شود. این اهمیت وحدت که به گونه‌ای همان فن می‌باشد در معماری بیشتر دیده می‌شود.